

حسن نوروزی

دیدگاه سید محمد فردید و همایندیشان اش
دن باره پیوود و راجله آن با خسند و غریب هموزه
از مباحث مورد تابع در جامعه روشنگران ایرانی
پرداخته است. در این شونه از این مباحث
منتهی تاریخ دیدگاه پیوود چگونه است؟
نگاه فردید به جایگاه تاریخی پیوود
فرموده است که فردید از تاریخ چند دلخواه
است. اسلام نفس است که به «پیوود» بر می گردید
و انسیت به پیوود و غریب خشونت گرا و ای منطق
سرفی کرد است.^(۱)

بدقتاری می سازانکه فردید پیوود یعنی ۲ دسته
تشیم می شوند که دسته اول فلتزم به مسویت
مشتهد و کافی محضوب می شوند لاما نه دوم
از مسویت نفع نکند و به سوی عقل ای ایک
یعنی عمل منتج و عالی می درند و می کوشند تا
با اینه گیری از هوش خود اثرا خوارند
ساختهای زندگی از میان پیر نند.^(۲) از این منظر،
پیوودان خود پیشاد و ظلمت زده و نهادن و شو
بسیگان همان گروه دوم هستند که لافت کفر
را بر دوش خارز و مظہر فهر و می کوشند تا
دوره تاریخی مایه حسابی آیند. دکتر فردید
وضشت و سراجیم این طبق را مورد بازگاری
و تحلیل تاریخ شناخته خود فراز داشت.

ماناخ و جود

غوبه پک روح سبل و منتشر در میان مردم است
ماناخ و جود می شاهدند ماقبل و یک مشاهده
و مغلق است که در آن تمسن و وزندگی جدید
لشکن ظهور و تحقق یافته است دکتر ضادلی
هر دو را الزم می نداند و لشکن وی این را ایده هر
مصنف نوشت که چهار معنی قرار گرفته باشد و
بنوان به آن لشکر کرد به ظریضی از معتقدان
غرب و زندگی است که با قلصه اغاز شده است
اگر این تمسیح ویان موج به بشد تاریخ فلسفه ای ای
ملدو ماکتون فرمحله بسط قام و تمام قرب
هستیم. غرب این مرحله همه مورث تجدید ظاهر
شده است تجدید چیست آج چشم را بطری است که
در آن پسر خود را ای ای صرف تموجات یافته
و به ظریض وسیع است که بنوان بازگر و روانی
خود همه امور را چنان که باید سر و سلسن دهد
غرب یک نسبت است تشبیه کیمی مردان خود
و امریع علم و عمل و قدرت و ملاک خیر و بیانی
ذکسته است بر طبق این رأی علم خردمندی
قوتره ظلمه نژاده هنر، فتو و خشونت غربه
مذکور و مطلع صورت نعمی تاریخ چند غرب قرآن
می گیرد و همین چهت سی توکن گفت که تاریخ
چند غربه تاریخ تفسلیت ماضی است
چند غربه تاریخ تفسلیت ماضی است
و تاریخ دوره پیش و روسی تاریخ تفسلیت
فیر ماضی است پیش تاریخی گیرد.^(۳)

مورد پیشتر قرآنی گیرد.^(۴)

هزارگشت شعلی ماذب و مذکونی
ازها اگر چه باشود نلقی غرب پنهانه و بسط
پاکتند غرب نیست بلکه هر هزار غرب خد غرب
نحوه مهار کردن موجوخت است و این همه مو
طرق مهار کردن به وجود آمده است.^(۵) از همین
رو فردیس گویند غرب زندگی را باید تصریح کرد
که پوچان زندگی است و من همه از طرح کردم
مران بنوان زندگی انسان نسبت پیشامی گذاها
آلم و عالم و میان عالم و آلم کسان هموار نسبت
ماردو قرقش با دیگران این است که نسبتی فر
تیزیار.^(۶)

غرب و غریب شناخته می شود.^(۷) از واقعی،
پس بک بر که غرب نظر من اذکر، علم و
این و هر سیاست و تکنولوژی را مینیم نما
اینها اگر چه باشود نلقی غرب پنهانه و بسط
پاکتند غرب نیست بلکه هر هزار غرب خد غرب
نحوه مهار کردن موجوخت است و این همه مو
طرق مهار کردن به وجود آمده است.^(۸) از همین
رو فردیس گویند غرب زندگی را باید تصریح کرد
که پوچان زندگی است و من همه از طرح کردم
مران بنوان زندگی انسان نسبت پیشامی گذاها
آلم و عالم و میان عالم و آلم کسان هموار نسبت
ماردو قرقش با دیگران این است که نسبتی فر
تیزیار.^(۹)

غرب و غریب شناخته می شود.^(۱۰) از واقعی،
پس بک بر که غرب نظر من اذکر، علم و
اینها اگر چه باشود نلقی غرب پنهانه و بسط
پاکتند غرب نیست بلکه هر هزار غرب خد غرب
نحوه مهار کردن موجوخت است و این همه مو
طرق مهار کردن به وجود آمده است.^(۱۱) از همین
رو فردیس گویند غرب زندگی را باید تصریح کرد
که پوچان زندگی است و من همه از طرح کردم
مران بنوان زندگی انسان نسبت پیشامی گذاها
آلم و عالم و میان عالم و آلم کسان هموار نسبت
ماردو قرقش با دیگران این است که نسبتی فر
تیزیار.^(۱۲)

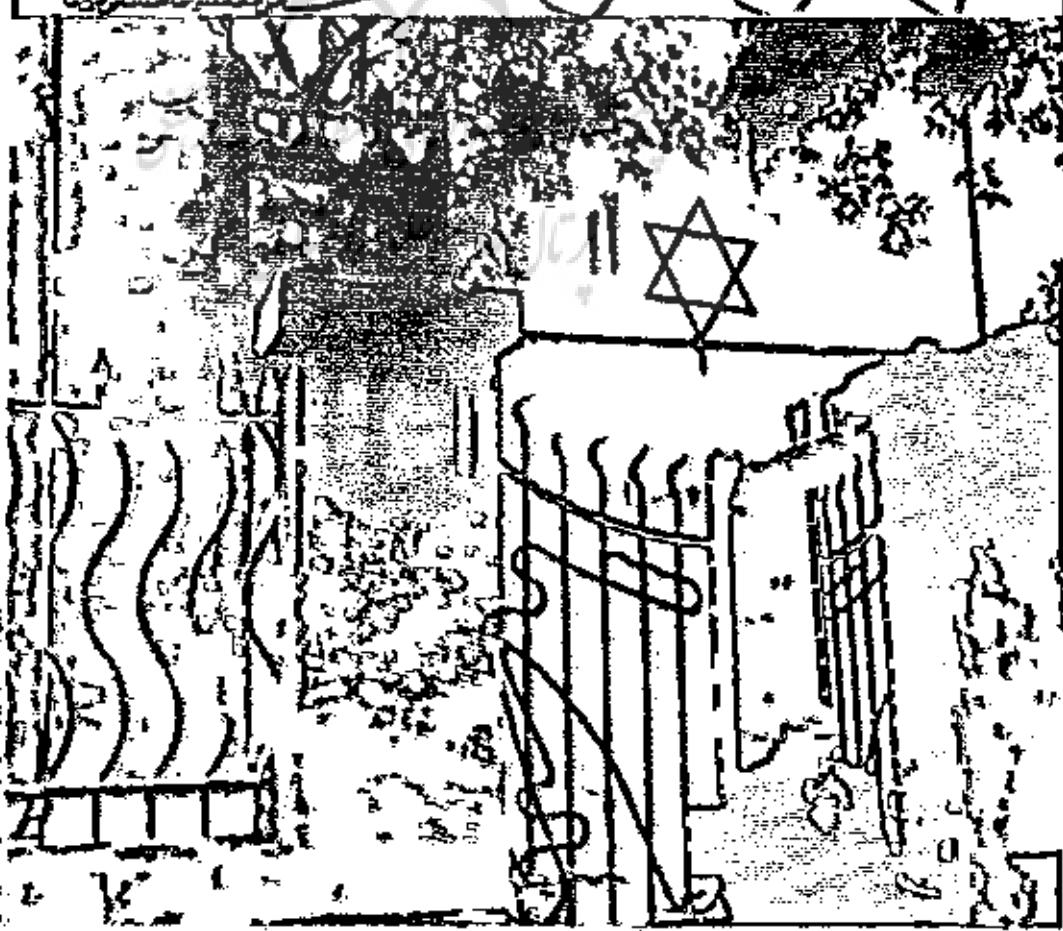
غرب و غریب شناخته می شود.^(۱۳)

کمال

کمال میان موضع و متعلق علم و عمل و ای ای
تفانی برقرار است و هر یک ممتاز آن دیگری
است از همین روی - و - و لیلیه ۲ ای ای مرتبط
و تر مفهوم هر یک مفهوم پیویستی داشته است و
تحلیل مفهوم سیزده به ای ای مسوده از تحلیل
منهوم تیزه مفهوم سیزده است ای ای مسدوده
از همین روی قول بدائل است چرا که هر فرگری
نحوی سیزده کیونه است چرا که هر فرگری
این ای
تفکر و عمل قرآن گرفته شده بلکه ای ای ای ای ای
جست که متعلق علم و عمل پیشتر قرآنی گیردند
اسلت من پیشند و متعلق فرگری ای ای ای ای ای
همین روی می توکن گفت که در ای ای کنیه میز
نحوی از سیزده کیونه است.^(۱۴)

پا توجه به آنچه گفته شده شرقی همان ای
ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای
شرق ای
دیگر شتابیم.^(۱۵) ای
همین حوالت ناریکی غرب ای ای ای ای ای ای ای ای
خداست نهان شدن شرقی ای ای ای ای ای ای ای ای
غربی ای
هم و موضع تاریکی پوچان گذشت ای ای ای ای ای
روز و میان ای
تفکر یعنی تفکر متفقیزیک که بالذات وای ای ای
دیگری است.^(۱۶)

این نکته را می باید گفت که حوقیتی بون تاریخ
غربه مدنی جبری نشانده به راحتی می بخان
قبول کرد که بشر ای ای و مختار است ای ای ای ای
لختی ای
چند بودند می تولند ای ای ای ای ای ای ای ای ای
فضل ای ای



یه هر حال، حیران نظرگار، در مسیر تاریخ
نسان به مسوی است و اینه پایان تاریخ که مسلسل
گذشت از خودنمایی و نیستنگاری حق
حقیقت است بشر در این احیف و وجود بر میزد
خواهد گردید و به تبع تغیر نسبت و پایانی مال
و آدم نسبت وی با آدم و عالم تیز تغیر خواهد
پاشته (۱۰) پیش این پسر دیروزی و امروزی
امروز و فردا را گرفته و به پس فرا مخواهد رسید
و ایdest انتقام اثواب اسلامی ابریش درم جر انتقام
آمده گروزی همچویی برای ظاهور لام زمان (عج) ^{اعلم}
موفق پاشد و خدا خواهد که مثل غریب های اولیه
هم توجه کند بالکل به عالمی دیگر و بالکل به
اسد دیگر منظم سلطنت دیگر ۱۰۷

بر این شه فردیل هنرمند مسلمان گشت
۲۵۰۰ سال تاریخ عربی است با اقبال اسلامی
موبعت وارستگی به رعایت شرمنی آید با اقبال
اسلامی، فیض قدس گشایش پیانا کرد از این
اقبال اسلامی، گلایقین صاحب قدس است
پیروز غصه صاحب قدس بیت المقدم
کرده است (۱۴) این اقبال باز گشته است،
بلزه با اغزوی دگی و کفر یعنی پیروزی دگی
از اسلوونی دگی است (۱۵) در این اقبال فرا
است بر خدا و رسول کو لو لولی الامر لطاعت کنیم
سر از تاریخ غرب پاچل است باید به تعالی
باز گشته تعالی به هبزی اسلام خیشی (۱۶)
به سراغ مامده است (۱۷) چون لو نایب اعلی
صرع (عج) است (۱۸) و به ملبدی پس فرد
من اندیشد (۱۹) البته این مسلم است که محظوظ
طلقوت را فقط اسلام زمک (عج) می تولد و مجددا
عدد تالسم جدید غرب که من مسوب و پیروز داشت
از میان پروردگارانم این است که بعلم الـ
اسرار عل طلقوت ندانسته باشیم و مر جوت خلو^ت
الله حقیقت پکوشیم این مسلم مسنتی است

جمهوری اسلامی ایران در آن فرادری دارد (۶۴)؛
فرموده برا پایه ملکه تاریخ خود برچیده شد
بپرورد و تحقیق عیسی فردی از تاریخ راهنمی می‌داند
و اینباره هی خود را به صراحت افراد از کند
لوگو توجه بشتره خدا ویه حکومت‌الله مختر
می‌گرد و بصرانی یونس لسم جدید شر و اولو آر
و اعلام می‌کند (۶۵) (کامپوس) گوید در اخیرین مرحله
نهی، توکل شریور خیر غلبه کند. شیطان می‌آید جلو
والی نمی‌تواند بالکل برو و حسان غلبه پیدا کند
تلخیخ دگر گون می‌شود و حکومت‌الله بزرگیزد
پس فردی از جای حکومت نفس املو و حکومت
فوم عالمون، تحقق پیامان گندار (۶۶) از این ترتیبه کرد
لرض به تدریج در حال گذشت از جامعه منحوس
بپرورد اعلیٰ عقل جیزه بپروردی اخیرین مرتبه عقل

بیهودگان و روزبهان تور عقل فرقانی است (۷۱).
فرود بدین میان خطرات را اینزیداد اوری کرد
لست به خصوص با توجه به اینکه فنایل اسلامی
ایران را گلخانی در موافقه با پیروه و کفر می دانند
نمود لذتیش بیهود و فرالسان و صهیونیست را در
جهانه اسلامی در قرضه ای روشن نگیری یافته اند
می شود و سبب به جوهره فلسفه علم، شعر و هنر
غیری و بیز تحریف قرآن و روایات بالا حکایت خواهی کنند
و نسلوت و لوله ایشی هشدار من دهد وی ما را
به پیروی از حکومت اسلامی و ولایت فقیه فهم
حصیق غرب و مسیز یازان سلوک در عربیت و
انتظار امدادگر برای فرج حضرت وی خبر (عج)

دستورالعمل کنفرانس
امن کاملیو امن هم شهری آنلاین بخوبیت
CONFERENCE ONLINE

مری همراه است بگشت همه اینها
دغل کاری چنان است دغل کار تلزم می باشد از
این موجودات که پیکچور دجال ندر مقام این
است که در آخر الزمان کار انسان با اعلان ای تمدن
می شود این فاعل است کارشان این است که همه را
بعد دغل کاری آخر الزمان و بکشاند بینه پکبار گفتمن
این دجال عجوزی است که الاخ طرد پرای این
الاخ خسوسیتی وصف کرد که این الاخ پرای کل
مر لذاد و دیگران است نکار، ای مر لذاد و دیگران

من فرمایند حالاتی زن بول ساز رها و لین فلاسفه
الاعیانی هستند که دجال سوار آنهاست زمان
الظرف از زمان دجال است زمان هایی هستند که
موجوداتی ملتفت پور موجو گویی که در آخر الزمان
از پیر بالیسم و بروز ازی و سیاست گام به گام بر این
دفعه ای سریع مدوکر انسان دلخوا می کنند
که دیده دیده تذکرین گذاری شده است^(۵)
هر چیزی می گویند خانم صلح و شرکت
و اکثر بودای خلقش انتیم^(۶)
قرآن خاصته است که اعلامیه جهانی حقوق

پسر و امیسه ب سه بدین و پیری و پیری و پیری
از ای دن نفس لاره و یکسان شدن همه در
بی کسی بکشان شدن همه بادیوار و همه با هم
نهایه به تنهای نفس لاره شبستانی این هیارت
لست از ای ای و پسرانی و پیری اختر الزمان
تلخ غریب هارلند توجه می کنند که ای آقا
نشان هایری هم بیوار شدند و که بلن امریکائی
نهایتست (۵۲)

پیش از این که شعله لطف آمیزی را برخواهد،
 مصدق شام و سقلم خودبیادی است. در اینجا
 مشکومندی هایی که در آن قاعده با نفس افراد
 خودش افرادی را مسلطه باشند پیدا نمی کنند این
 قرب حضوری است شایع
 اگر دلتنگی می شود و به چی
 حدیث قریبی، شعر من گوید
 با خودش تبعید بپا من گند و
 هر چی کس دیگر جزو خود شایع
 در اینجا نیستهند خدابی و نیمه ملکوتی و هر چی
 دیگر حوالت چنین آمده است اگر قرب شایع
 و غافلگو و مترنمده باشد هم با خودش و بالشایع است
 و فراتر از سوزه و ازهار نمی شود (۳۷)

آنچه نوشته ای از مسیح احمد فردی دلخواه است
آنکلر می شود که کفرزدگی، مفهودنایشی و
نفس اماربرست، نفس و بینل فلسفه و علم و
ذکریک دوران چندی است که خداگاریم را ترویج
دانه و اسلام را به هفتستان می دهدانی درور
دوره ایامات فجرور آمیز و مظہر توسم و روشن
الحدو و عصیان لست و عصر ظهور و پرور سخط و
خوب بازی تعالی امانت یهود همچنان که پیشوای
کفر لست و عهد چندی و کسم چندی طاهر بر زی
کرده در فروعات ابن اسما که همان لفظه درای
علم درای و مستیرستی لست نیز حاضر یود و
دیگران را به تدبیشه و روش خود پونزده است
یهود که علت مواده غرب لسته من کوشید تا
همکان را تم همه ساخته باشد و اندیشهها و اینرا
دچال هر خوبین و خوبانی فروغیرست نا

اسم خدیده نه عین طلعت است و اخون در مرحله پیچیده خود قرار گرفته بمناسب پارچه ای که دارد ملغع وضع موجود است و از تقلیل هرگز ندارد.
از تقلیل اتفاقات اسلامی ایران و پیروز
فردید هلاقین را به منزله تغیر لسمی مکنده به عنین معنی که قتل آن که فخر جامعه ای مظہر لسمی لش سنه مظہر اسهم دیگر قدری پیشود اصل اولاً و پیش از عرض خوش بشود و به قول افلاطون مظہر ایله دیگری قرار می گیرد اتفاقات باشوروش منفات است قریده می گوید اتفاقات که بر قرائمه در حقیقت شورش است زیرا ایان هر چه اثیری از کتاب و خداست چاکی منشود و آن صورت نوعی غرب پایالمام ظهر و می گند و تعلیم پیدا می گند تاریخ عروسی اتفاقات که بر اتفاقات رنسانی رئالیتی مم دهد دیگر اتفاقات جوهر

دست و حنفی لاق علم استه من شود و راه ها
می هن بسته می رسد پسر من تو اند هاتکه روزان
گاهی دری به نور گشایید همین که یک عالم
بی دود و عالم دیگری می آیده حاکی از آن است
له حوالت قهر نیست (۲) فردیدن این باره
وضوح جانی درد و می گویند هنر و فنی به
کفر نمی شوم هر چند کفر قضایی الی است ولی
پوچن و لسلایت گلن من و دوچالش و انان
و تسلیست من گمرد (۳) اینها بسگال و
یقندیشند که از دن جسم خواره اند باز کار

متنفس می گردیدند (۲۷) و پادشاه ملته به چهارده بروم خیرزند (۲۸) عرفان اینها باز عرقانی خود دیدند است که عدم تباين ذاتی می خدا و آن را ناتوجه می نهادند (۲۹) فردیس پهلوی می مثل پیور و مکتبهای غربی و نهادهای سپاهی و لیبرالیسم و دموکراسی را مختاری نظر حق می داد (۳۰) این دموکراسی آخرین مرحله گرگوبی نداشت (۳۱) دموکراسی اسلامی این استدبلدیسته اسلام اسلامت گفراست در دموکراسی هر کس پاید خود بیانه اش قائم بشود هر کس پاید باشیم کسی که سیجه کرد نداشت حداکثر شود کلام حمله خدای نفس امارت خودش با انت اولاند (۳۲)

پس از سیاستگذاری‌های این دولت مدنظر افکاری
آنکه فردی دل‌لاسخه علوم هنر و میانجی
جدید‌همه جزیره‌زده است و شیطانی و ظالمانی
است (۲۱) و نتش بیوه در این میان سول
و حسنی می‌باشد و بجهاتی که قلچه غرب بد
و کلت در دست بیوه قلچه گرفته است (۲۲) از
منظروی، در غرب صورت‌های مختلف گنوشتویزی
و آبیست‌موتویزی یاد کنیل و قال آخرالزمان است و
دو اکثر اینها یهودی ها دخلات دراز و میانست و
چالعه‌شنسی و فلسفة علم و رادر چتر خود
می‌روشنند (۲۳) از این رو باطن منور افکاری
پوششی می‌توان گفت که بر پست این عهد جدید
اطهه‌برگ‌لسم عرب و امارات هوانی نص مران برده
کنی و مهنتی بر ازمه‌تلیک پیهود بود و
رسوست که معلم موجده آن فلتمد اندیشود
پیلات فردی به وضع گواهان مطلب‌بلست
چشایره و بینده دوره جدید مثلث‌کت شیطان
پیش در اولاد و ملوان است این حوالات تاریخی
جدید‌بلست که به لطف مسیقی به قهر بازمی گردد
از نظمت غلبه غیریزگی و پیهودیت در زندگی
است (۲۴)

فانیجه در تاریخ جدید ظلم راست اسلام نفس
دسته علت موجه غرب را ملکیون و پیوپودی است
علت مبایه آن علات است غربیه تباشی خود و
موضع غربیه خوده تاخت و تاز شیطان آخرالرمان
دسته غربیه مغل و دل هم کارد اما زین دو فرش
میظلان شده اند تاریخ مغرب تاریخ ظالم شر
و تاریخ حقیقت شر» (۲۳)
عقل باجریز و مستحبه عقل مرگ و جستار
دسته پیوپودی عاقلش چوبز مرده (۲۴) و خرد
حاطل مرگ و جستار (۲۵) نهست جهان امروز
رالیست (۲۶)

البته باشد به این مهمن توجه کرد که فردی
همان گونه که پیوست را عملت موجده غرب معرفی
می کند اندیشمندان غرب پیوست و ایندی مخالف
این تحدی را نیز مرتفع داشتند پیوست و مخالف به
خدماتی همانها اس دند مختارهای قابل
حائز از این توجه تلقی وی است
قرآن پل مسلوق در باب تاریخ یک خدای
یعنی مصیت زیرتی خواست می کند که انسان ام است
و جای خدامی گشاید البته این کار با پیوست
قابلی خوبی چور خوبی آید اسلام این نظر باعطل
خود چنان پیوستی چور درمی آیند هر چند پیوست
نیست ملت این است که می بینم هماره
ذخایر از مهندیتیسم می کند و بالسلام مخالف
استه (۱۷)

حاجاتی هستمتر سه حسین بیت داشت عین
سوهیت است هر کاشت چنی یعنی حسن بیت
نیسته بفت کاشت عین چنیه یعنی سو و نیت
است فلسفه کاشت سر نارس پندر نایند ایست
کاشت مظاهر ظاهربرویست دوره جدید و مظاهر تمام
و تعلم خود را خواهی ایست.^(۲۷)

«گرسی که اولین بار در تاریخ چندین مدارز داشت
از وجود موجود طاغوتی نفع من کند اینها نداشتند
است قصبه جور است یاد خونک تادید اگر
فلسفه غرب رانگاه کنید می بینید می خواهد
یکویند که من طلغوت و طلحوت یونانی مظلومین
است و من مصالق بالات همه چیزمن و تقهی دور
من می گرفتم.^(۲۸)

«دجال با دغشل» همراه است که به لاتینی
می شود «صوبیر» (decevoir) که با فرانسیس
عمل جریزه بودی اخیر مرتبه عمل بودیان
است.^(۲۹)

هر قرن هجدهم دسته ای که عقل طاغوتی شان
شناخته است فرالشون ها استند بپروردی ما که
سواره جلو آمدندند زبانه و شله و زیون لدیشند
ل اینها است چون اتفاق نداشت و سیس در پایان
یخ صورخ ۴ هزار ساله اینها است که من شما از
بدر میگشانند.^(۳۰)